فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، پیاپی ۱۷
صفحات ۸۴-۷۱

تحلیل سطوح سرمایه‌گذاری خدماتی و عمرانی در جامعه عشایری استان آذربایجان غربی

پرویز ضیائیان؛ دانشیار سنجش از دور، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
شمسی صالح‌پور*؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
بابا داوردان؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۷ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

چکیده

رتبه‌بندی زیستگاه‌های انسانی بر اساس شاخص‌های توسعه جهت تعیین سطوح برخورداری مناطق (شهرستان‌های) استان، یکی از مسائلی است که در هر واحد برنامه‌ریزی جهت تسهیل روند خدمات‌رسانی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و نیل به توسعه پایدار مورد توجه است. مطالعه حاضر با هدف بررسی تحلیل سطح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری شهرستان‌های آذربایجان غربی با بهره‌گیری از روش تلفیقی انجام شده است. روش تحقیق به صورت مقایسه‌ای ـ تحلیلی بوده و داده‌های آن به صورت اسنادی- کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیلی تاکسونومی عددی و AHP استفاده شده است. همچنین برای رسیدن به یک اجماع کلی از یک تکنیک ادغامی به نام روش میانگین رتبه‌ها استفاده شده است. یافته‌های حاصل از میانگین رتبه‌ها نشان داد که جوامع عشایری شهرستان‌های ارومیه و ماکو با کسب رتبه ۱ و ۲ در سطح اول برخورداری از خدمات توسعه‌ای و جوامع عشایری شهرستان‌های میاندوآب، پلدشت و شاهین دژ با کسب رتبه‌های ۷ و ۸ در سطح چهارم برخورداری از خدمات توسعه جای گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: عشایر، توسعه، تاکسونومی عددی، AHP.

* Salehpor_p@yahoo.com

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

۱) مقدمه

از واژه توسعه، تعابیر مختلفی در افکار صاحب‌نظران وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات، بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی ـ اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد(تودارو،۲۳:۱۳۷۸). مقوله توسعه با ایده پیشرفت تفاوت دارد(یزدانی و همکاران،۴۰:۱۳۹۴)؛ زیرا، توسعه جریانی چندبعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد (Hadder, 2000: 34) و روندی است فراگیر در جهت ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی، پاسخگویی به نیازهای آن‌ها، ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم، برای تمامی افراد جامعه (وارثی و همکاران، ۱۰۴:۱۳۹۴) و حذف نابرابری‌ها (پوراحمد و همکاران،۵:۱۳۸۴).

مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است؛ به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آن‌ها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق بوده و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید(Shankar and Shah,2003). نابرابری‌های درون ناحیه‌ای و بین ناحیه‌ای یکی از مظاهر بارز کشورهای جهان سوم است که ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌هاست(حسین زاده دلیر، ۸۷:۱۳۸۹). از همین رو کندو کاو درباره ناهماهنگی، عدم توازن و نابرابری و وجود آن در محدوده‌های جغرافیایی گوناگون، توجه رژیم‌های سیاسی، برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران (متقی و همکاران، ۱۴۸:۱۳۹۴) و صاحب‌نظران امر توسعه را در سطح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای به خود جلب کرده است (ابراهیم‌زاده،۳۵:۱۳۸۶). چرا که همه برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای کاهش نابرابری‌ها و رسیدن به توسعه اتخاذ می‌شود (جمعه پور، ۵۵:۱۳۸۷). در این میان، برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند پاسخی به نارسایی‌ها و کاستی‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد (تقوایی و بهاری،۱۳۹۱: ۱۶-۱۵). در فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شناخت و تجزیه و تحلیل وضعیت مناطق در زمینه‌های مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بسزایی دارد. زیرا، با این کار تنگناها و محدودیت‌های مناطق مشخص‌شده و می‌توان برای رفع آن‌ها اقدام نمود (محمدی و همکاران،۶۶:۱۳۹۴). حصول توسعه یکپارچه در مناطق از طریق توزیع خدمات مختلف به صورت متعادل و متوازن میسر است. بدین منظور ابتدا باید سطح توسعه فعلی مناطق مشخص شود تا بتوان با شناخت آن‌ها به ارائه طرح‌ها و راهکارهای مناسب برای بهبود آن‌ها اقدام نمود(ضرابی و همکاران،۲۱۳:۱۳۸۶).

بنابراین مهم‌ترین رسالت برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در این زمینه توجه به همه زیستگاه‌های انسانی(شهری، روستایی و عشایری)، شناخت و ادارک شرایط و مقتضیات آنان، و تلاش برای دستیابی به

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

فرصت‌های برابر در دسترسی آنان به خدمات مطلوب و ارتقاء کیفیت زندگی آنان است؛ چرا که عدم تعادل و توازن «بین مناطق مختلف موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است» (تقدیسی و همکاران،۱۳۹۱:۱۲۳).

از آغاز تمدن نابرابری در دسترسی به امکانات در بین جوامع، همواره وجود داشته و در کشورهای مختلف با درجات گوناگون قابل مشاهده است (ضیائیان و همکاران،۱۳۹۴:۱۳۰). در کشور ایران، تاکنون اقدامات و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت کاهش نابرابری‌های میان جوامع سه‌گانه صورت گرفته است. با همه تلاش‌های بی‌وقفه‌ای که در این زمینه صورت گرفته است، عدم تعادل و توازن در بین این جوامع همچنان تداوم داشته و پابرجا است، به طوری که روز به روز بر دامنه آن افزوده می‌شود. در بین جوامع سه‌گانه، جامعه عشایری که حاصل از برآیند مجموعه‌ای از عوامل و چشم‌اندازهای فرهنگی، اجتماعی و طبیعی بوده، و همواره در اشکال متعدد در پهنه‌های وسیعی از فضاهای جغرافیایی حضور داشته‌اند، طی زمان در فرآیند تغییر، تطور و تحولات توسعه‌ای نسبت به جوامع شهری و روستایی، کمتر دستخوش تغییرات شده و همچنان دارای محرومیت و محدودیت‌های شدیدی است. این جامعه، با توجه به این که به عنوان «عضوی پرکار در پیکره جامعه ملی» (سالم،۱۳۸۷:۹۰) محسوب می‌شود، از جایگاه مهمی برخوردار بوده و نیازمند توجه بیشتری است. «مسئله ی عشایر کوچنده کشور مسئله ی کوچ و یا اسکان آنان نیست، بلکه مسئله ی عدم تقسیم عادلانه ثروت در این سرزمین است» (بخشنده نصرت،۱۳۸۰:۱۰).

جهت پی‌بردن به میزان آشفتگی وضع موجود در بین عشایر و حل مسائل ناشی از آن در جهت برقراری عدالت اجتماعی، تخصیص بهینه منابع باهدف رفع، نخستین گام شناخت و سطح‌بندی آن‌ها به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی، ارتباطی و آموزشی است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف اصلی بررسی سطح توسعه‌یافتگی جوامع عشایری با استفاده از روش تلفیقی، در استان آذربایجان غربی از نظر شاخص‌های خدماتی و عمرانی سرمایه‌گذاری شده (شاخص‌های زیربنایی ـ ارتباطی، آموزشی ـ فرهنگی و بهداشتی ـ درمانی) انجام شده است. بدین ترتیب، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی منطقی و مستدل به دو پرسش زیر است: اول، آیا بین جوامع عشایری شهرستان‌های استان آذربایجان غربی از نظر برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه تفاوتی وجود دارد؟ دوم اینکه، از لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه کدام یک از شهرستان‌ها محروم و کدام یک دارای موقعیت مناسبی(برخوردار) است؟

۲) مبانی نظری

توسعه فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر، شامل انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان است(Riddell,2004:2) که از پایان جنگ جهانی دوم (Frazier,1997:

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

187) به این طرف در محدوده اقتصاد سیاسی به یکی از مباحث بحث‌برانگیز تبدیل شد و زمینه مطالعات مربوط به توسعه را فراهم آورد (جمعه پور،۵۱:۱۳۸۷). از زمانی که اندیشه توسعه مطرح شده است، دیدگاه‌های مختلفی راجع به توسعه ارائه گردیده است. مطالعه هر یک از این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که هدف هر یک از آن‌ها بررسی و تحلیل عواملی است که در ایجاد و شکل‌گیری نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های موجود در مناطق و نواحی مختلف مؤثر است(بدری و همکاران،۱۱۸:۱۳۸۵) که در تمام اشکال و سطوح آن پیامدهای ناگواری را به همراه دارد(نظم فر و همکاران،۱۸۳:۱۳۹۴).

در زمینه تحلیل و تبیین توسعه باهدف توجه به نابرابری‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای، نظریه‌ها و الگوهای متعددی از جمله الگوی رشد سرمایه‌داری، ساختارگرا، الگوی نئومارکسیسم، الگوی وابستگی، الگوی نیازهای اساسی و الگوی نئوکلاسیک، مطرح شده و در هر دوره‌ای یک یا چند الگو به عنوان الگوی مسلط عمل کرده است(رضوانی،۸۴:۱۳۸۸). در این دوران، هر کدام از صاحبنظران با ارائه نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، نابرابری‌های منطقه‌ای، ناحیه‌ای را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اقتصاددانان نئوکلاسیک رشد و توسعه ناحیه‌ای را تحت دو عامل سازوکار تعادل و جابجایی می‌دانند که در بلندمدت موجب جریان آزاد منابع بین نواحی در یک منطقه و یا کشور و ایجاد نوعی تعادل بین ناحیه‌ای می‌گردد(li& wei, 2010:304). نئوکینزها یا طرفداران نظریه پایه اقتصادی، صادرات را به عنوان مهم‌ترین پایه رشد در نظر دارند(صرافی،۱۰۲:۱۳۷۹) و فعالیت‌های منطقه را به دو بخش پایه(صادراتی) و غیر پایه تقسیم می‌کنند. موتور رشد و نیروی محرکه اقتصاد منطقه را درآمد ناشی از بخش صادرات می‌دانند (صباغ کرمانی، ۱۴۷:۱۳۸۰). گونار میردال نابرابری ناحیه‌ای را ناشی از عوامل خارجی می‌داند که به دلیل انگیزه سودجویی شکل گرفته است و برتری اولیه و زمینه‌های تاریخی آن را شکل می‌دهد(قنبری و همکاران،۹۷:۱۳۹۰). برخی صاحبنظران دیگر نیز نابرابری را به طور سیستمی مورد بررسی قرار می‌دهند و مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی را در تکوین، تشدید و یا کاهش نابرابری موثر می‌دانند(جمالی همکاران،۸۵:۱۳۸۹).

در مورد امکان شناسی توسعه و بهبود حیات اجتماعیِ جامعه عشایری به عنوان یکی از سه شیوه زیست انسان(صیدایی، ۸۴:۱۳۷۷) در ایران نظریاتی مطرح شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریات عزیز کیاوند، ابراهیم حیاتی، سید حسن حسینی ابری، عباس بخشنده نصرت، استراتژی‌های گروه مطالعاتی هامون و راهبردهای کنفرانس بین‌المللی DANA اشاره نمود(صیدایی،۲۵:۱۳۸۶). در اینجا به جهت طولانی نشدن کلام به دو نمونه از نظریات مورد اشاره بسنده می‌گردد. کیاوند معتقد است که، مشکل ما شیوه تولید است نه کوچ یا اسکان، این شیوه تولید عشایری است که هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است و جماعت‌های عشایری برای تغییر شیوه تولید تنها دو راه عقلانی در پیش دارند؛ یکی تولید بر پایه کشتزارهای دامی و دیگری تولید بر پایه صنعت (کیاوند،۱۷۹:۱۳۸۰). از

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

دیدگاه بخشنده نصرت هر نوع ساماندهی و بهبود وضعیت جامعه عشایری کشور مستلزم اجرای برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای و محلی است و در صورت هماهنگی و ارتباط بین این سه نوع برنامه‌ریزی می‌توان به آینده زندگی کوچندگان سر و سامان داد وی همچنین اسکان و تغییر شیوه‌ی تولید عشایر را یک ضرورت می‌داند و معتقد است که همراه با تغییر معیشت، باید در شیوه تولید آنان نیز تغییر اساسی به وجود آید(بخشنده نصرت،۱۳۸۰:۱۰).

مطالعات گسترده‌ای پیرامون جامعه عشایری و توسعه آن صورت گرفته است. اما اغلب مطالعات انجام‌شده در ارتباط با مسائل اجتماعی، اقتصادی و اسکان عشایر بوده و در زمینه‌ی تعیین سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری تحقیقات بسیار اندکی صورت گرفته است. تحقیق‌های انجام‌شده در زمینه سنجش سطح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری کشور به قرار زیر است:

تقیلو و موسوی(۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری استان‌های ایران در ابعاد مختلف اجتماعی ـ رفاهی، زیربنایی و تکنولوژی در دو دوره ییلاق و قشلاق پرداخته و نشان دادند که ضریب نابرابری توسعه در منطقه قشلاق استان‌های کشور ۰/۴۶۷ و در منطقه ییلاقی ۰/۵۶۷ است و در بین شاخص‌های توسعه، شاخص دسترسی به انرژی و شاخص دسترسی به امکانات ارتباطی و اطلاعاتی در دوره ییلاق و قشلاق بیش‌ترین تأثیر را در توسعه داشته‌اند.

تقدیسی و همکاران(۱۳۹۱) به سنجش سطح برخورداری عشایر استان‌های ایران با استفاده از فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای پرداخته و در مقایسه نتایج دو تکنیک نشان دادند که در هر دو زیست‌بوم قشلاق و ییلاق عشایر استان‌های کشور، نابرابری و عدم تعادل فضایی برقرار است که جهت رسیدن به تعادل فضایی عشایر کشور راهکارهای مکانی ـ زمانی را بر اساس نظم و سلسله‌مراتب فضایی پیشنهاد نموده‌اند.

با توجه به مطالعات صورت گرفته و همچنین تحقیقات مشابه دیگر در زمینه مورد مطالعه اغلب برای سطح‌بندی و مشخص ساختن سطوح توسعه‌یافتگی از یک روش و مدل استفاده شده است. از آنجا که این مدل‌ها و روش‌ها به تنهایی قادر نیستند تمامی جوانب و ابعاد مسئله را به طور کامل مورد ارزیابی قرار دهند. لذا استفاده از مدل‌های مختلف در کنار یکدیگر به روشن تر شدن هرچه بیشتر ابعاد مسئله کمک می‌کند. بدین منظور در تحقیق حاضر جهت تعدیل این کاستی‌ها در راستای تعیین سطوح برخورداری نواحی از امکانات و خدمات از دو مدل تاکسونومی عددی و AHP بهره‌گیری شده است. همچنین جهت دستیابی به نتیجه یکپارچه از روش میانگین رتبه‌ها استفاده به عمل آمده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و رویکرد حاکم بر آن مقایسه‌ای ـ تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل نه شهرستان برخوردار از عشایر استان آذربایجان غربی است. مطابق نتایج سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷، آذربایجان غربی به عنوان چهارمین استان عشایرنشین کشور، دارای ۱۵۳۷۸ خانوار است که از این تعداد، ۱۵۰۶۸ خانوار در ییلاق و ۱۵۵۹۹ خانوار در قشلاق بسر می‌برند. جامعه عشایری استان آذربایجان غربی که حدود ۳/۶ درصد از جمعیت استان را به خود اختصاص داده است، بر اساس ۱۴ متغیر با مشورت متخصصان و کارشناسان، در قالب ۳ شاخص زیربنایی ـ ارتباطی، آموزشی ـ فرهنگی و بهداشتی ـ درمانی(جدول۱) با استفاده از مدل تاکسونومی عددی و مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای ارزیابی شباهت‌ها و نزدیکی‌ها بر پایه تحلیل شاخص‌ها، جهت سطح‌بندی فضایی شهرستان‌ها از نظر میزان دستیابی جامعه عشایری هر کدام از آن‌ها به خدمات و تعیین میزان برخورداری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه استفاده از روش‌های مختلف امکان دارد نتایج متفاوتی به دست دهد، برای تفوّق بر این وضعیت و رسیدن به اجماع کلی از بین روش‌های مختلفی که به روش ادغام(روش میانگین رتبه‌ها، بردا، کپ لند) معروف هستند، روش میانگین رتبه‌ها استفاده شده است. در جدول شماره ۲ مدل‌های به کار گرفته‌شده در این تحقیق و خلاصه روش‌های محاسباتی آن‌ها نشان داده شده است.

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و متغیرهای مورد مطالعه

شاخص	متغیر
زیربنایی ـ ارتباطی	میزان برخورداری از راه مناسب به کیلومتر(راه آسفالته؛ راه شوسه)؛ تعداد مشترکین آب سالم؛ تعداد مشترکین برق؛ تعداد جایگاه سوخت، تعداد مخابرات؛ تعداد مسکن مناسب، تعداد طرح هادی انجام‌شده
آموزشی ـ فرهنگی	تعداد اماکن مذهبی (شامل: اماکن متبرکه اسلامی، مسجد، تکیه و حسینیه)؛ تعداد مراکز آموزشی؛ تعداد کتابخانه عمومی
بهداشتی ـ درمانی	تعداد خانه بهداشت، تعداد سرویس بهداشتی، تعداد حمام عمومی، تعداد غسالخانه

منبع: سازمان امور عشایری،۱۳۸۷.

الف) تاکسونومی عددی: یکی از تکنیک‌های مشهور در زمینه تعیین اولویت برای مناطق یا نقاط مختلف است. روش تاکسونومی عددی روش مناسبی برای درجه‌بندی، طبقه‌بندی و مقایسه مناطق یا سکونتگاه‌های مختلف با توجه به درجه توسعه و مدون بودن آن‌هاست (جمعه پور،۱۳۸۷:۲۰۹).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

ب) فرایند تحلیل سلسله مراتبی: یکی از کارآمدترین مدل‌های تصمیم‌گیری است که اولین بار توسط توماس ال ساعتی در ۱۹۸۰ مطرح شده است (کرم و محمدی،۱۳۸۸: ۶۵). این مدل یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره است که امکان مقایسه معیارهای کمی و کیفی را در کنار یکدیگر فراهم می نماید. در روش مذکور عناصر هر سطح نسبت به عنصر مربوط به خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه و وزن آن‌ها مقایسه می‌گردد. نهایتاً وزن نهایی گزینه که وزن مطلق نامیده می‌شود، مشخص می‌گردد(رنجبر و روغنی،۱۳۸۸:۲۳).

جدول شماره(۲): مراحل مدل‌های تصمیم‌گیری تاکسونومی عددی و AHP

مدل	مراحل کار
تاکسونومی عددی	۱. تشکیل ماتریس داده‌ها ۲. استانداردسازی ماتریس داده‌ها با استفاده از رابطه $Zij = \frac{X_ij - \bar{X}}{SD}$ و تشکیل ماتریس استاندارد ۳. تعیین فاصله فضایی یا فواصل مرکب با استفاده از رابطه $d_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^{n}(z_{aj} - z_{bj})^2}$ ۴. تعیین فاصله‌های حد بالا (d+) با فرمول $d = d + 2sd$ و حد پایین (d-) طبق فرمول $d = d - 2sd$ ۵. محاسبه میانگین کوتاه‌ترین فاصله‌ها $d = \frac{\sum_{i=1}^{n} di}{n}$ و انحراف معیار آن‌ها $sd = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^{n}(d_i - d)^2}{n}}$ ۶. محاسبه سر مشق توسعه بر اساس رابطه $C_{io} = \sqrt{\sum_{i=1}^{n}(Z_{ij} - Z_{oj})^2}$ ۷. محاسبه میزان توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی بر اساس رابطه $f_i = \frac{C_{io}}{C_o}$ - محاسبه حد بالای سرمشق توسعه بر اساس رابطه $C_o = \bar{C}_{io} + 2S_{io}$ - محاسبه میانگین سرمشق‌های توسعه($\bar{C}_{io}$) بر اساس رابطه $\bar{C}_{io} = \frac{\sum_{i=1}^{n} C_{io}}{n}$ - محاسبه انحراف معیار(Sio) سرمشق‌های توسعه بر اساس رابطه $S_{io} \frac{\sqrt{\sum_{i-1}^{n}(C_{io} - C_{io})^2}}{n}$
AHP	۱. ساختن سلسله‌مراتب ۲. اصل تدوین و تعیین اولویت(بر اساس مقایسه ۹ کمیتی ساعتی برای مقایسه زوجی) ۳. محاسبه شاخص سازگاری بر اساس رابطه CI= Σλmax-n/n-1 ۴. محاسبه نرخ سازگاری بر اساس رابطه CR = CI/ RI

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۴

ج) روش میانگین رتبه‌ها: در دنیای واقعی، تصمیم‌گیرندگان برای تصمیم‌گیری خود را به یک روش محدود نمی‌کنند و امکان دارد با استفاده از روش‌های متعدد به نتایج مختلف برسند. در این شرایط برای

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

تلفیق نتایج روش‌هایی پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از: روش میانگین رتبه‌ها، روش بردا[1]، روش کپ لند[2]. در روش میانگین رتبه‌ها، برای هر گزینه میانگین حسابی رتبه‌های بدست آمده با استفاده از روش‌های مختلف تعیین می‌شود و بر اساس این، گزینه‌ها اولویت‌بندی می‌شوند. بدیهی است که گزینه‌های با میانگین حسابی بالاتر در اولویت خواهند بود (ضرابی و همکاران،۱۳۹۱:۸۸).

۴) یافته‌های تحقیق

توسعه‌یافتگی عشایر استان آذربایجان غربی با استفاده از چهارده متغیر خدمات عمرانی با روش‌های تاکسونومی عددی و مدل تحلیل سلسله مراتبی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. خلاصه خروجی حاصل از روش‌های مذکور در جدول شماره ۳ گنجانده شده است.

جدول شماره (۳): رتبه‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی عشایر استان آذربایجان غربی

شهرستان	CIO	ضریب تاکسونومی عددی(FI)	رتبه	ضریب AHP	رتبه
شاهین دژ	۱۱/۰۲۷	۰/۹۰۷	۹	۰/۰۱۸	۷
میاندوآب	۱۰/۸۶۹	۰/۸۹۴	۸	۰/۰۱۸	۷
اشنویه	۸/۳۷۴	۰/۶۸۹	۳	۰/۱۶۲	۲
نقده	۹/۶۲۲	۰/۷۹۱	۶	۰ /۴۰۹	۵
ارومیه	۶/۰۷۲	۰/۴۹۹	۱	۰/۲۸۲	۱
سلماس	۹/۳۶۶	۰/۷۷۰	۵	۰/۰۶۹	۴
خوی	۹/۱۶۶	۰/۷۵۴	۴	۰/۰۷۸	۳
پلدشت	۹/۶۹۰	۰/۷۹۷	۷	۰/۰۳۷	۶
ماکو	۶/۸۲۷	۰/۵۶۱	۲	۰/۲۸۲	۱

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۴

خروجی حاصل از مدل تاکسونومی عددی نشان می‌دهد که عشایر شهرستان‌های ارومیه (۰/۴۹۹)، ماکو (۰/۵۶۱) و (۰/۶۸۹) به ترتیب با رتبه‌های یک تا سه در سطح اول برخورداری قرار دارد و عشایر شهرستان‌های پلدشت (۰/۷۹۷)، میاندوآب (۰/۸۹۴) و شاهین دژ (۰/۹۰۷) با رتبه‌های هفت تا نه در پایین‌ترین سطح برخورداری بوده است. در جدول ۳ آن‌چنان که از خروجی حاصل از مدل تحلیلی سلسله مراتبی ملاحظه می‌شود، عشایر شهرستان‌های ارومیه و ماکو(۰/۲۸۲) در سطح اول برخورداری و عشایر شهرستان‌های شاهین دژ و میاندوآب(۰/۰۱۸) در پایین‌ترین سطح برخورداری بوده است. با توجه به داده‌های جدول ۳، مشخص گردید که دو مدل مورد استفاده، به غیر از شهرستان ارومیه، در سایر موارد

[1] borda method
[2] copeland method

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

رتبه‌های متفاوتی را به‌دست داده است. همچنین در بعضی موارد نتایج نزدیکی را سبب شده است. به منظور بررسی و سنجش دقیق تر رتبه عشایر شهرستان‌های استان و یکپارچه شدن نتایج از روش میانگین رتبه‌ها که یکی از روش‌های ادغامی است، بهره‌گیری شده است. تجزیه و تحلیل حاصل از تلفیق روش‌های مورد استفاده در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول شماره (۴): تلفیق دو روش تاکسونومی عددی و AHP و رتبه‌بندی نهایی جامعه عشایری استان آذربایجان غربی

شهرستان	ضریب تاکسونومی عددی(FI)	رتبه	ضریب AHP	رتبه	میانگین رتبه‌ها	رتبه نهایی
شاهین دژ	۰/۹۰۷	۹	۰/۰۱۸	۷	۸	۸
میاندوآب	۰/۸۹۴	۸	۰/۰۱۸	۷	۷/۵	۷
اشنویه	۰/۶۸۹	۳	۰/۱۶۲	۲	۲/۵	۳
نقده	۰/۷۹۱	۶	۰ /۴۰۹	۵	۵/۵	۶
ارومیه	۰/۴۹۹	۱	۰/۲۸۲	۱	۱	۱
سلماس	۰/۷۷۰	۵	۰/۰۶۹	۴	۳	۴
خوی	۰/۷۵۴	۴	۰/۰۷۸	۳	۳/۵	۵
پلدشت	۰/۷۹۷	۷	۰/۰۳۷	۶	۷/۵	۷
ماکو	۰/۵۶۱	۲	۰/۲۸۲	۱	۱/۵	۲

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۴

با توجه به خروجی روش میانگین رتبه‌ها، که جدول چهار نمایش داده شده است، شهرستان‌های ارومیه، ماکو و اشنویه به ترتیب در رتبه اول تا سوم قرار گرفته است و شهرستان‌های میاندوآب، پلدشت و شاهین دژ به ترتیب با رتبه‌های هفتم و هشتم، پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی را به خود اختصاص داده است. در بین دو شهرستان شاهین دژ و میاندوآب، شهرستان میاندوآب با وجود اینکه از خدمات و زیرساخت‌های مناسبی برخوردار است، نظام خدمات‌رسانی آن در زمینه خدمات‌دهی به زیستگاه‌های عشایری ضعیف عمل نموده است تا جایی که عشایر این شهرستان در وضعیت ناپایداری به سر می‌برند.

شهرستان‌های مورد مطالعه بر مبنای میانگین رتبه‌های حاصل از دو مدل مورد استفاده در تحقیق، در چهار سطح سلسله مراتبی دسته‌بندی شده است. همان طور که جدول شماره ۵ و شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، زیستگاه‌های عشایری شهرستان‌های ارومیه و ماکو به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی در سطح اول، اشنویه و سلماس در سطح دوم، خوی و نقده در سطح سوم، و میاندوآب، پلدشت و شاهین دژ در سطح چهارم از سطوح برخورداری، جای گرفته است.

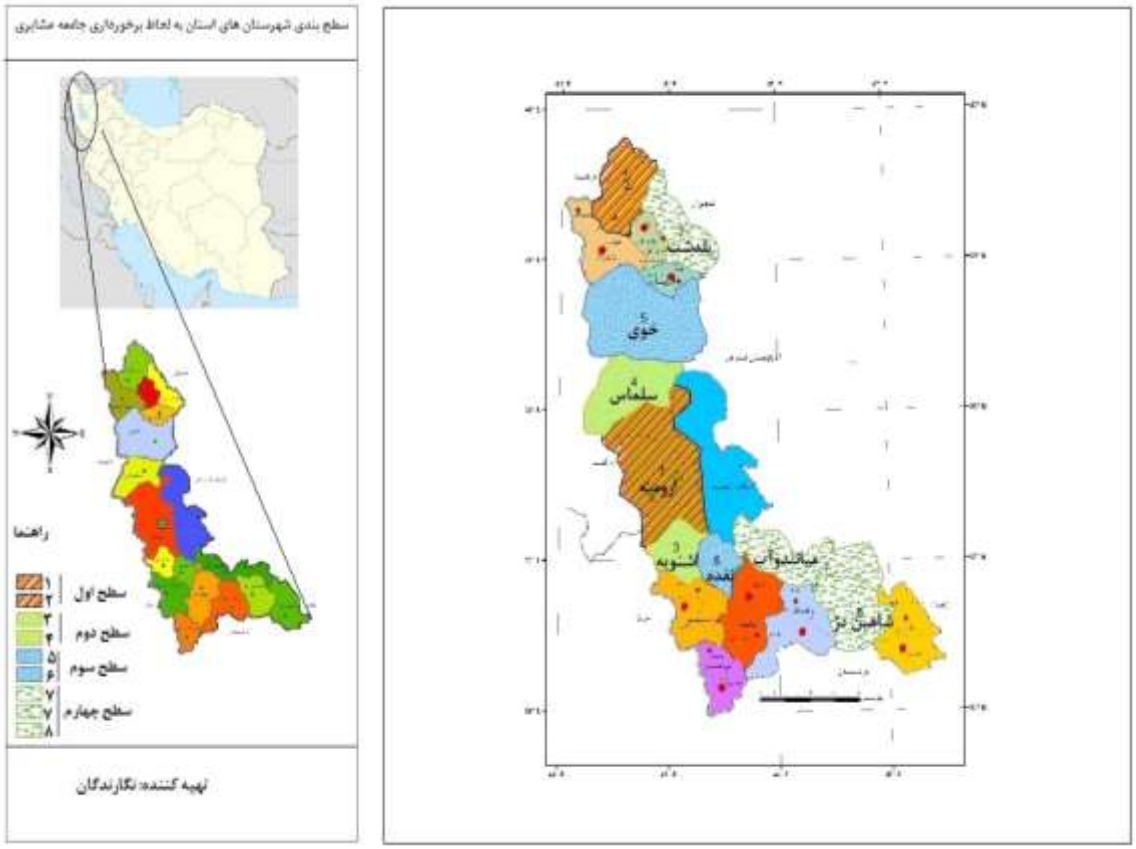
[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

جدول شماره (۵): سطح‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی به لحاظ برخورداری جامعه عشایری از خدمات

میانگین رتبه‌ها (تاکسونومی عددی و AHP)	سطح برخورداری جامعه عشایری	
۱ – ۲/۷۵	سطح اول	ارومیه، ماکو
۴/۵ -۰/۲۷۵	سطح دوم	اشنویه، سلماس
۶/۲۵ – ۴/۵	سطح سوم	خوی، نقده
۸ – ۶/۲۵	سطح چهارم	میاندوآب، پلدشت و شاهین دژ

منبع: یافته‌های تحقیق،۱۳۹۴



شکل شماره(۱): سطح‌بندی فضایی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی به لحاظ برخورداری جامعه عشایری از خدمات

علاوه بر نتایج حاصل از مطالعه انجام‌شده، برابر مشاهدات میدانی صورت گرفته، عشایر استان آذربایجان غربی به لحاظ بهره‌مندی از خدمات توسعه‌ای، در یک طیف موازی نبوده و به یک اندازه از شاخص‌های سه‌گانه (زیربنایی ـ ارتباطی، آموزشی ـ فرهنگی و بهداشتی ـ درمانی) برخوردار نبوده است؛ بلکه در شاخصی نسبت به شاخص دیگر برخوردارتر هستند. عشایر شهرستان ارومیه به لحاظ شاخص بهداشتی ـ درمانی و زیربنایی ـ ارتباطی، هم نسبت به سایر شاخص‌ها و هم از دیگر مناطق عشایری نشین استان برخوردارتر است. عشایر این شهرستان توانسته‌اند از عملکردهای قوی و مناسبی در جهت تحکیم روابط با حوزه نفوذ خود استفاده نمایند. این در حالی است که شهرستان نقده با رتبه ۶ نسبت به

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

عشایر سایر شهرستان‌ها به لحاظ شاخص آموزشی ـ فرهنگی، وضعیت بهتر و مطلوب‌تری دارد. جامعه عشایری این شهرستان با وجود اینکه ارتباطات و تعامل‌های مطلوبی با حوزه نفوذ خود ندارد و در زمینه تحکیم روابط خود با سازمان‌های مربوطه ضعیف عمل می‌نماید، در زمینه بهداشت و درمان جدیت خاصی نشان داده و تا حدودی از وضعیت بهتری برخوردار هستند. یا شهرستان ماکو با رتبه ۲ از نظر شاخص زیربنایی ـ ارتباطی نسبت به عشایر شهرستان‌ها از وضعیت بهینه‌ای برخوردار است. از دلایل این امر را می‌توان، به دارا بودن موقعیت جغرافیایی مناسب برای عشایر، قرار گرفتن این شهرستان در مرز ایران ـ ترکیه و تردد زمینی بین این دو کشور از این مسیر اشاره داشت. زیرا موقعیت جغرافیایی سبب گشته است تا به لحاظ زیربنایی و ارتباطی در آن منطقه سرمایه‌گذاری بهینه‌ای صورت گیرد و این سرمایه‌گذاری در پویای سازی جامعه عشایری سهم ارزنده‌ای دارد. لازم به ذکر است که زیستگاه‌های عشایری برخوردار از خدمات و امکانات توسعه در استان، در برخورداری پایین تر از حد متوسط قرار دارد. این امر حاکی از آن است که با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته جهت رفع مشکل عدم توازن و تعادل، کل عشایر استان آذربایجان غربی از وجود نابرابری در نظام خدمات‌رسانی توسعه‌ای در رنج هستند.

۵) نتیجه‌گیری

در جهان امروز که نابرابری در سراسر آن قابل مشاهده است، توسعه هماهنگ زیستگاه‌های مختلف یک سرزمین، که هر کدام دارای خصوصیات طبیعی و انسانی و سازمان فضایی خاص خود هستند، امری حیاتی در راه نیل به یکپارچگی است. در بین زیستگاه‌های انسانی، زیستگاه‌های عشایری که در نتیجه برآیندهای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی خاصی در پهنه سرزمین شکل‌گرفته‌اند، عرصه‌ی نابرابری‌های فزاینده‌ی ناحیه‌ای و فضایی هستند و همواره مورد بی‌مهری قرارگرفته و به لحاظ خدمات توسعه‌ای در مضیقه بوده و در محرومیت بسر می‌برند. بر همین اساس مطالعه پیشِ رو، برای شناخت تنگناها و محرومیت‌های عشایر، به تحلیل توسعه‌یافتگی جامعه عشایری استان آذربایجان غربی، در چارچوب تحلیلی مدل‌های تصمیم‌گیری تاکسونومی عددی، AHP و روش تلفیقی میانگین رتبه‌ها پرداخته است.

با توجه به نتایج مدل‌های مورد استفاده در تحقیق، مشخص شد که در استان آذربایجان غربی، زیستگاه‌های عشایری شهرستان‌های ارومیه و ماکو به لحاظ شاخص‌های مورد بررسی در سه گروه زیربنایی ـ ارتباطی، آموزشی ـ فرهنگی و بهداشتی درمانی به ترتیب با رتبه یک و دو، در سطح اول برخورداری از خدمات توسعه‌ای و زیستگاه‌های عشایری میاندوآب، پلدشت و شاهین دژ به ترتیب با رتبه‌های هفت و هشت در پایین‌ترین سطح چهارم از سطوح برخورداری قرار دارد، و سایر شهرستان‌ها در حالت بینابین قرار گرفته است. این نتیجه نشان از آن دارد که توزیع خدمات توسعه‌ای در فضای جغرافیایی آذربایجان غربی در میان جوامع عشایری به صورت متعادل انجام نشده است. به طوری که

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

زیستگاه‌های عشایری بهره‌مند از امکانات توسعه در شهرستان‌های شمال و مرکز استان و عشایر محروم از خدمات در جنوب و جنوب شرق استان جای گرفته‌اند.

از دلایلی که باعث شده است تا زیستگاه‌های عشایری شهرستان‌های ارومیه و ماکو نسبت به سایر زیستگاه‌ها از موقعیت نسبتاً بهتری برخوردار باشد، در کنار موقعیت مساعد جغرافیایی این مناطق، می‌توان به حکمروایی خوب محلی، نظام خدمات‌رسانی مطلوب، برقراری تعاملات فضایی مطلوب بین زیستگاه‌های عشایری و روستایی و شهری این مناطق اشاره داشت. همچنین از پیشران‌های وجود عدم تعادل در میان جوامع عشایری استان، می‌توان به عدم وجود الگوی مناسب نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی، ناکارآمدی رویکردهای سنتی برنامه‌ریزی جهت رفع نابرابری‌های فضایی، وجود سیاست واحد در برنامه‌ریزی برای توسعه عشایر تمام منطقه، عدم حمایت دستگاه‌های اجرایی از برنامه‌های توسعه‌ای، و عدم وجود نگاهی متفاوت به توسعه این جامعه با توجه به توزیع جغرافیایی متفاوت عشایر، تعدد و تنوع توانمندی‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و گرایش‌های مختلف آنان اشاره نمود. بنابراین، بهبود وضعیت جامعه عشایری به منظور توسعه متوازن و در راه نیل به عدالت اجتماعی، در کنار ارائه تسهیلات ویژه به عشایر مستلزم آن است که برنامه‌های توسعه‌ای برای هر منطقه عشایری با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط جغرافیایی، توانمندی‌های درونی و محیطی آنان و حمایت دستگاه‌های اجرایی از برنامه‌های توسعه‌ای صورت گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.

۶) منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، (۱۳۸۶)، **مدل تحلیلی در سامان‌دهی فضاهای ناحیه‌ای، مورد: ناحیه سنگان خاش**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹، صص ۳۵-۵۳.
- بدری، سیدعلی، سعیدرضا اکبریان رونیزی و حسن جواهری، (۱۳۸۵)، **تعیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره۸۲، صص۱۲۶-۱۱۶.
- بخشنده نصرت، عباس، (۱۳۸۰)، **برنامه‌ریزی و شیوه‌های ساماندهی کوچندگی**، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان.
- پوراحمد، احمد و همکاران، (۱۳۸۴)، **بررسی روند تغییرات توسعه‌یافتگی استان‌های کشور(دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۶۵)**، فصلنامه نامه‌ی پژوهش فرهنگی، شماره ۹، صص ۲۱-۳.
- تقدیسی، احمد، نصرت مرادی و عیسی بهاری، (۱۳۹۱)، **سنجش سطح برخورداری عشایر استان‌های ایران با استفاده از فنون تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای**، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۹و۱۰، صص۱۵۲-۱۲۱.
- تقیلو، علی‌اکبر و میرنجف موسوی، (۱۳۹۴)، **ارزیابی سطوح مختلف توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی ـ رفاهی، زیربنایی و تکنولوژیکی جامعه عشایری استان‌های ایران**، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال چهارم، شماره۱۴، صص ۱۸۰-۱۶۳.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

- تودارو، مایکل، (۱۳۷۸)، **توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- تقوایی، مسعود؛ بهاری، عیسی، (۱۳۹۱). **سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای**، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال بیست و سوم، پیاپی۴۸،شماره۴، صص ۳۸-۱۵.
- جمعه پور، محمود، (۱۳۸۷)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها**، انتشارات سمت، تهران.
- جمالی، فیروز، محمدرضا پورمحمدی و ابوالفضل قنبری، (۱۳۸۹)، **تحلیلی بر نابرابری‌های ناحیه‌ای و تعیین اولویت توسعه نقاط شهری استان آذربایجان شرقی**، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال پانزدهم، شماره۳۳، ۱۰۴-۸۳.
- حسین زاده دلیر، کریم، (۱۳۸۹)، **برنامه‌ریزی ناحیه‌ای**، انتشارات سمت، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، انتشارات قومس، تهران.
- رنجبر، محسن و پریسا روغنی، (۱۳۸۸)، پهنه بندی خطر زمین لغزش در شهرستان اردل با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، شماره۲، صص۳۰-۲۱.
- سالم، جلال، (۱۳۸۷)، **تأثیر خشکسالی بر فرایند زندگی عشایری طایفه طاهری در حوزه شهرستان طبس**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱۲۴-۸۹.
- صباغ کرمانی، مجید، (۱۳۸۰)، **اقتصاد منطقه ای«تئوری ها و مدل ها»**، انتشارات سمت، تهران.
- صرافی، مظفر، (۱۳۷۹)، **مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای**، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران.
- صیدایی، اسکندر، (۱۳۸۶)، **توسعه پایدار جامعه عشایری ایران**، انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.
- صیدایی، سید اسکندر، (۱۳۷۷)، **توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده**، مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۳و۱۴، صص ۱۰۰-۸۳.
- ضرابی، اصغر، جمال محمدی و حمیدرضا رخشانی نسب، (۱۳۸۶)، **تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه بهداشت و درمان**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۳۴-۲۱۳.
- ضرابی، اصغر، اسدالله دیوسالار و محمدرضا کنعانی، (۱۳۹۱)، **تحلیل فضایی سکونتگاه‌های شهری بر اساس توان‌های محیطی(مطالعه موردی: استان مازندران)**، فصلنامه مدرس علوم انسانی ـ برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره شانزده، شماره۲، صص ۱۰۰-۷۷.
- ضیائیان فیروزآبادی، پرویز، آرزو انوری و محمد ولایی، (۱۳۹۴)، **سطح‌بندی میزان توسعه روستاهای بخش مرحمت‌آباد شهرستان میاندوآب**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، پیاپی ۱۴، صص۱۴۶-۱۲۹.
- قنبری، یوسف، حمید برقی و احمد حجاریان، (۱۳۹۰)، **تحلیل سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان اصفهان**، فصلنامه روستا و توسعه، سال۱۴، شماره۱۴، صص۱۱۲-۹۳.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]

- کرم، امیر و اعظم محمدی، (۱۳۸۸)، **ارزیابی و پهنه بندی تناسب زمین برای توسعه فیزیکی شهر کرج و اراضی پیرامونی بر پایه فاکتورهای طبیعی و روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)** ، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال اول، شماره ۴، صص ۷۴-۵۹.
- کیاوند، عزیز، (۱۳۸۰)، **حکومت، سیاست و عشایر**، انتشارات شورای عالی عشایر ایران، تهران.
- متقی، افشین، حسین ربیعی و مصیب قره بیگی، مصیب، (۱۳۹۴)، **تحلیل فضایی توسعه نواحی مرزی شرق کشور (مورد: دهستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره۴، پیاپی۱۴، صص۱۶۷-۱۴۷.
- محمدی، چنور، براتعلی خاکپور و طیبه انصاریان، (۱۳۹۴)، **ارزیابی سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای به لحاظ شاخص توسعه، (مطالعه موردی: منطقه اورامانات)**، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۸۰-۶۵.
- نظم فر، حسین، سهیلا باختر و سعیده علوی، (۱۳۹۴)، **رتبه‌بندی سطوح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی(مطالعه موردی: دهستان‌های استان کرمانشاه)**، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال چهارم، شماره۱۴، ۱۹۲-۱۸۱.
- وارثی، حمیدرضا و همکاران، (۱۳۹۴)، **تحلیل فضایی برخورداری شهرستان‌های استان فارس از شاخص‌های بهداشتی و درمانی با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص۱۱۷-۱۰۵.
- یزدانی، محمدحسن، افشار سیدین و رسول طایفه عیسی خواجه لو، (۱۳۹۴)، **سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی زیربنایی در نواحی روستایی استان اردبیل**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۳، صص۵۶-۳۹.
- Frazier, J.G, (1997), **sustainable Development: Modern elixir or sack dress?**, Environmental Conservation, Vol 24, No2, Pp182-193.
- Hadder, R, (2000), **Development Geography**, European Journal of Operational Research, Vol 4, Pp 3-7.
- Li, y,wei,y.h, (2010), **The spatil-temporal hierarchy of regional inequality of china**, applied geography, No30, Pp 303-316.
- Riddbell, R, (2004), **Sustainable Urban Planning: Tipplnd the Balance Balanc**, Blacwell Publishing, 335 Pages, P&B 29 FIGURES.
- Shankar, R. and Shah, A.,(2003), **Bridging the Economic Divide within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities**, World Development, Vol. 31, No. 8, pp. 1421–1441.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-03-28]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.5.17.71]